

هشتمین جلسه شورای اجتماعی محله نیرزه برگزار شد

افتتاح بازار چه و نمایشگاه توانمندی های محلی

کتابخانه شهدای مدافع حرم هفته گذشته میزبان هشتمین جلسه شورای اجتماعی محله نیرزه بود. این جلسه با حضور بیشتر اعضا، رئیس اداره اجتماعی و فرهنگی، رئیس و کارشناس فرهنگی ناحیه ۲ شهرداری منطقه برگزار شد...

۲

رئیس شورای امور معلولان مهاجر افغانستانی مطرح کرد

عدالت برای همه به ویژه معلولان

دوازدهم آذرماه مصادف بود با روز جهانی معلولان، روزی که برای معلولان دیگر تنها یک نماد نیست و هر سال کنار یکدیگر جمع می شوند و برای سالی جدید حرف ها، دردها و ایده هایشان را برای رسیدن به سالی بهتر بیان می کنند. به همین مناسبت هفته گذشته تالار زیتون واقع...

۳

دفتر توسعه محله آوینی برنامه پیاده روی عمومی برگزار کرد

شور و نشاط اجتماعی برای بانوان و کودکان محله

صبح جمعه هفته گذشته، میدان دوم گلشهر میزبان بانوان و کودکان محله آوینی و محدوده گلشهر بود تا با اجرای برنامه پیاده روی شور و نشاط اجتماعی را به این گروه از جامعه بازگرداند و انگیزه ای باشد برای ارتباط بیشتر بین افراد و ...

۷

گزارشی از جلسه هم اندیشی خود اشتغالی در نگارخانه اندیشه

معلولان موفق و صاحب شغل

۵۴





دانشجو یا صرفا دانشجو

حرف اول



سید محمد عطایی
دبیر شهرآرامحله
منطقه ۵

شانزدهم آذرماه یادآور حماسه سه دانشجو دانشگاه تهران است. در روز ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ مصطفی بزرگنیا، احمد قندچی و آذر شریعت‌رضوی، هنگام اعتراض به دیدار رسمی ریچارد نیکسون معاون رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده آمریکا و همچنین از سرگیری روابط ایران با بریتانیا در دانشگاه تهران کشته شدند. اینکه این جوانان در آن ایام چطور به این میزان از اوضاع سیاسی کشور و جهان اطلاع داشته‌اند و تفاوت آن‌ها با اکثریت دانشجویان این دوره کمی عجیب است. در این یادداشت درباره چند مقوله مربوط به فضای دانشگاه و دانشجو صحبت می‌کنم.

اولین مورد درباره بیگانگی دانشجو با بازار کار است. تعلیمات دانشگاه در بیشتر رشته‌ها به هیچ عنوان متناسب با بازار کار نیست. دانشجو در حین تحصیل باید آموخته‌های خودش را در فضای عملی تجربه کند و تجربه کار عملی را با آموخته‌های آکادمیک بیامیزد ولی در عمل امکان این اتفاق نیست. فضای دانشگاهی از دانشجو می‌خواهد گوش باشد و بشود و تکرار کند. اصلا سیستم آموزشی فرصت ندارد تا وقتش را پای تجربه کردن دانشجو بگذارد، پس به ناچار حجم زیادی از مطالب را به دانشجو ارائه می‌دهد تا آن‌ها را مشغول نگه دارد و همان‌ها را ملاک سطح سواد و درجه‌بندی علمی دانشجویان قرار می‌دهد. در این شیوه آموزشی خبری از خلاقیت و حرف‌های جدید نیست و بیشتر منابع آموزشی قدیمی هستند. نتیجه چه می‌شود؟ دانشجو دانش آموخته می‌شود و به اکثریت دانش آموختگان بیکار می‌پیوندد که تحصیلاتشان در بازار کار خریداری ندارد.

دومین مورد درباره پراکندگی دانشگاه‌ها در نقشه شهر مشهد است. این کمی عجیب است که تقریباً تمامی دانشگاه‌ها در غرب و شمال غربی مشهد تجمع یافته‌اند و گویی دعوت‌نامه‌ای برای خانواده‌هایی می‌فرستند که از لحاظ اقتصادی متوسط رو به بالا هستند. چرا دانشگاهی در سمت شرق و در اصطلاح پایین شهر مشهد دائر نمی‌شود؟ مگر موقعیت دانشگاه چه تأثیری بر فضای دانشگاهی می‌گذارد که مؤسسان این مراکز به تأسیس دانشگاه در پایین شهر اشتیاقی ندارند؟ فاطمه از مهدی‌آباد منطقه ۵ تا دانشگاهش در بولوار پیروزی ۲ ساعت در راه است. ۲ ساعت در مسیر رفت و ۲ ساعت در مسیر برگشت. تازه این تحت شرایطی است که قسمتی از مسیر را با آژانس طی می‌کند یا دختر دیگری به نام زهرا که از انتهای گلشهر به قاسم‌آباد می‌رود و ۲ ساعت در مسیر است. دختر نابینایی که از روستای پاوا در حاشیه بولوار آوینی به دانشگاه فردوسی می‌رود و حقوق می‌خواند، به گفته خودش تقریباً ۳ ساعت در راه است.

سیستم آموزش عالی به هیچ عنوان بر مدار عدالت اجتماعی پیش نمی‌رود و با توجه به نحوه آموزش و محتوای آموزشی اصلاً قرار نیست راه به جایی برسد. در این بین و در این چند ساله اخیر تنها کسانی را موفق دیده‌ام که توانان یا سیستم آموزش عالی خودشان آسین بالا و به دریای تجربه زده‌اند. البته جدا از دوستانی که از ابتدا به واسطه روابطشان، جایگاهشان مشخص است و مدرک تحصیلی را برای احتیاط لازم دارند، همین نگاه و نیاز به مدرک و شاید درآمدزایی باعث شده است تا امسال ۲۰۰۰ نفر ناگوار به گوشمان برسد، اولی درباره لو رفتن سؤالات کنکور سراسری و دومی فروش صندلی‌های دانشکده‌های پزشکی با مبالغ گزاف. خدا آخر و عاقبت همه ما را به خیر کند.

هشتمین جلسه شورای اجتماعی محله نیز برگزار شد

افتتاح بازارچه و نمایشگاه توانمندی‌های محلی

صله ارحام و بازدید از بزرگان و اقوام و رسیدگی به احوال یکدیگر است. با توجه به اهمیت این موضوع و در جلسه‌ای که با ستاد بازآفرینی شهری داشتیم تصمیم بر این شد تا این سنت و آیین را تحت عنوان برنامه «شوچراغ» در منطقه اجرا کنیم و همچون گذشتگان دورهم جمع شویم و ضمن بازدید و تبادل نظر و گفت‌وگو بسیاری از مشکلات را با همکاری و همیاری یکدیگر حل کنیم. این برنامه برای اولین بار ۲۶ آذرماه در منطقه برگزار می‌شود. مکان اجرای این برنامه گودورخانه در آوینی ۵ است. امیدواریم اعضای شورای اجتماعی محللات نیز در این برنامه حضور پیدا کنند.

نمایشگاه توانمندی‌های محلی، فضایی برای رشد ساکنان محلی

محمد سلطانی همچنین اجرای نمایشگاه توانمندی‌های محلی را فضایی برای رشد ساکنان محلی دانست و توضیح داد: این نمایشگاه ۲۷ و ۲۸ آذرماه در تالار زیتون در آوینی ۳۳ برگزار می‌شود و شامل ۳ بخش صنایع دستی، غذاهای خانگی و عکس‌های خاطره انگیز محله و محدوده گلشهر است. عکس‌ها باید از فضای عمومی و قدیمی محله باشد و افراد علاقه‌مند می‌توانند در این نمایشگاه شرکت کنند و آثار، غذاها و عکس‌های خود را به نمایش بگذارند.

عمومی و پرتردد به‌ویژه برای افراد پرخطر و استفاده از ماسک در این فصل است. علائم این بیماری با سرماخوردگی شباهت بسیاری دارد. این بیماری نیز با تب و آبریزش بینی شروع می‌شود. شناسایی علائم آن بسیار مهم است و باید از سوی پزشک تفاوت سرماخوردگی و آنفلوآنزا مشخص شود و درمان‌های لازم روی بیمار انجام شود.

وی افزود: مرکز بهداشت درباره آموزش و پیشگیری اقداماتی را به مساجد و مدارس ارائه می‌دهد که از آن جمله برگزاری کلاس‌های آموزشی و پخش پم فیلترهای آموزشی برای عموم است. اعضای شورای اجتماعی نیز می‌توانند با همکاری مدارس و مساجد از عموم ساکنان محله دعوت کنند تا در دوره‌های آموزشی که برای پیشگیری از بیماری و رعایت بیشتر بهداشت فردی از سوی مرکز بهداشت برگزار می‌شود، شرکت کنند.

صله ارحام و بازدید از بزرگان

رئیس اداره اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه هم در ادامه این نشست توضیحاتی را درباره دو برنامه «شوچراغ» و «نمایشگاه توانمندی‌های محلی» در آذرماه ارائه داد و گفت: یکی از سنت‌هایی که در کشور ما از دیرباز وجود داشت و در دین مبین اسلام نیز به آن تأکید شده است،

کتابخانه‌های شهدای مدافع حرم هفته گذشته میزبان هشتمین جلسه شورای اجتماعی محله نیز بود. این جلسه با حضور بیشتر اعضا،

رئیس اداره اجتماعی و فرهنگی، رئیس و کارشناس فرهنگی ناحیه ۲ شهرداری منطقه برگزار شد. در این جلسه اعضا، پیشنهادها را خود را برای بازگشایی بازارچه محلی و پیشگیری از بیماری‌های فصل زمستان به‌ویژه آنفلوآنزا و مشارکت شهروندان در عملیات زمستانی ارائه دادند.

مرکز بهداشت آماده ارائه خدمت

رابط بهداشت محله، با اشاره به اینکه آنفلوآنزا بیماری ویروسی است، گفت: با زدن واکسن آنفلوآنزا می‌توان از مبتلا شدن به این بیماری پیشگیری کرد. بهتر است گروه‌های پرخطر مثل کودکان، سالمندان، مادران باردار و افرادی که دچار ضعف بدنی هستند پیش از شروع فصل زمستان این واکسن را تهیه و به تزریق آن اقدام کنند.

زهرا مرادزاده در ادامه دیگر راه‌های پیشگیری را توضیح داد و گفت: از جمله موارد دیگر برای پیشگیری از این بیماری شستن مرتب دست‌ها با آب و صابون، حضور نیافتن در مکان‌های



میتراصدر
خبرنگار شهرآرامحله



بازار محلی با هدف کمک به اقبال آسب پذیر و رونق اقتصاد محلی راه اندازی می‌شود

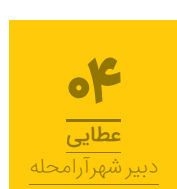


به قلم دوربین دریافتی

مسئول تربیت بدنی منطقه خبر داد همایش دوچرخه‌سواری با حضور ۳۰۰ نفر

مشهد، مسئولان سپاه و بسیج اصناف و مدیر بازار بزرگ حافظ نیز حضور داشتند. وی در ادامه هدف از این برنامه را توسعه ورزش دوچرخه‌سواری در حاشیه شهر دانست و توضیح داد: این همایش با مشارکت شهرداری منطقه ۵ و ۶، اداره ورزش و جوانان، پلیس راهور، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بازار بزرگ حافظ، بسیج شهرداری مشهد، هیئت دوچرخه‌سواری، بازار بزرگ حافظ و معاونت سلامت سازمان فرهنگی شهرداری مشهد انجام شد و به قید قرعه به شرکت‌کنندگان هدایایی تقدیم شد.

مسئول تربیت بدنی منطقه گفت: به مناسبت گرمای داشت هفته بسیج، صبح جمعه هفته گذشته همایشی با حضور ۳۰۰ نفر از شهروندان از میرزا کوچک‌خان ۱۵ در محل شهرداری منطقه، آغاز شد و در بازار بزرگ حافظ در شهرداری منطقه ۶ به پایان رسید. سیددانیال نظری افزود: در این برنامه جمعی از مدیران شهرداری منطقه ۵ و ۶، رئیس اداره ورزش و جوانان



عطایی
دبیر شهرآرامحله



کارشناس فرهنگی ناحیه ۲ شهرداری منطقه گفت: این برنامه به مناسبت شهادت حضرت معصومه(س) ویژه دختران منطقه با هدف آشنایی نوجوانان با مفاهیم آثار و شهادت در سالن شهادت وحدت فرهنگسرای امر به معروف برگزار شد. علیرضا حیدری افزود: طرح نغمه‌های ایثار از مصوبات شورای اجتماعی محله نیزه است

که ویژه گروه سرود دختران منطقه اجرا شد. در این برنامه ۱۶ تشکل در تالار شهادت وحدت واقع در بوستان وحدت با یکدیگر رقابت کردند. به تیم‌های اول تا سوم هدایایی تقدیم شد. این مصوبه با همکاری اداره اجتماعی و فرهنگی منطقه، دبیرخانه شورای اجتماعی محله نیزه و فرهنگسرای امر به معروف و نهی از منکر برگزار شد. ■



رئیس شورای امور معلولان مهاجر افغانستانی مطرح کرد

عدالت برای همه به‌ویژه معلولان

۳
صدر

بیماران خاص دارای معلولیت و جامعه معلول مهاجر در دریافت بیمه‌های درمانی و دارویی از سوی کمیساریای سازمان ملل متحد اشاره کرد.

وی در ادامه به دیگر اولویت‌های معلولان اشاره کرد و افزود: همچنین از دفتر اتباع و مهاجران می‌خواهیم در رایگان شدن عوارض شهرداری، کارت کارگری و دریافت هزینه‌های تعویض کارت آمایش با جامعه معلول مهاجر، همکاری کنند. از دفتر اتباع و مهاجران خارجی و سرکنسول افغانستان در مشهد می‌خواهیم با شورای معلولان برای همکاری و مساعدت مالی نهادهای مردم نهاد در طرح‌ها و نیازمندی‌های درمانی، دارویی و معیشتی معلولان مهاجر در طول سال، همکاری داشته باشد. دفتر اتباع و مهاجران و سرکنسول افغانستان با شورای معلولان برای برخورداری از یک مکان چندمنظوره برای خدمات اداری، درمانی و اشتغال با همکاری نهادهای مردم نهاد مستقر در مشهد همفکری و همکاری داشته باشد، همچنین خواستار بورسیه تحصیلی از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران و افغانستان برای معلولان مهاجر و نیز رایگان شدن هزینه‌های مالی گذرنامه ماشین‌خوان برای معلولان و فامیل آن‌ها هستیم.

«عدالت برای همه» شعار اصلی امسال معلولان مهاجر افغانستانی است. مظفری با اشاره به این شعار بیان کرد: عدالت برای همه در راستای رسیدن به حقوق شهروندی و انسانی برابر برای همه به‌ویژه معلولان در کنار دیگر شهروندان است. ■

عبد... مظفری در ادامه از همه نهادهای رسمی جمهوری اسلامی ایران، سازمان بهزیستی، کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، نهادهای مردمی و خیرین نوع دوست دعوت به همکاری کرد و توضیح داد: همه این سازمان‌ها می‌توانند با همکاری و مشارکت سازنده و مستمر در راستای رفع و کاهش رنج‌های بی‌شمار معلولان قدم بردارند و با ارائه پیشنهادها و راهکارهای جدید به جامعه معلول آن‌ها را توانمندتر سازند. مظفری در ادامه به ارائه پیشنهادها شورای هماهنگی امور معلولان مهاجر افغانستانی، پرداخت و توضیح داد: درخواست امروز جامعه معلول مهاجر از دولت جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه دفتر اتباع و مهاجران خارجی این است که یک آیین‌نامه و مصوبه داخلی در راستای حمایت از معلولان مهاجر و پناهنده داشته باشد. با وجود این آیین‌نامه در دفتر اتباع و امورخارجی صورت مربوط به جامعه هدف نیز تسهیل می‌شود. از جمله پیشنهادها اولویت‌دار شورای هماهنگی امور معلولان می‌توان به تدوین و اجرای یک آیین‌نامه داخلی در راستای تکريم از حقوق معلولان مهاجر از سوی دفتر مرکزی اتباع و مهاجران خارجی و دفتر اتباع مشهد، همکاری دفتر اتباع مشهد و سرکنسول با شورای معلولان مهاجر برای تخصیص اعتبارات سالانه از سوی دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل و نهادهای مردم نهاد در اجرایی شدن طرح‌های سازنده و مفید در حوزه معلولان مهاجر با شرکت شورای معلولان، در اولویت قراردادن

دوازدهم آذرماه مصادف بود با روز جهانی معلولان، روزی که برای معلولان دیگر تنها یک نماد نیست و هر سال کنار یکدیگر جمع می‌شوند و برای سالی جدید حرف‌ها، دردها و ایده‌هایشان را برای رسیدن به سالی بهتر بیان می‌کنند. به همین مناسبت هفته گذشته تالار زیتون واقع در آویزی ۳۳ میزبان جامعه معلولان مهاجر افغانستانی بود. شورای هماهنگی امور معلولان مهاجر افغانستانی با دعوت از میهمانان مختلف از سازمان‌های بین‌المللی، دفتر اتباع و وزارت امورخارجی همچنین نهادهای خیریه و مردم نهاد این روز را گرامی داشت.

رئیس شورای هماهنگی امور معلولان مهاجر افغانستانی در حاشیه این همایش ضمن تبریک این روز به معلولان، گفت: شورای هماهنگی امور معلولان بر این باور است که تجلیل از این روز، تنها برای نام بردن از معلولان و توجه به مسائل و مطالبات آنان در یک روز گرهی از مشکلات و خواسته‌های جامعه معلول باز نخواهد کرد. این روز فرصتی است برای شنیده شدن صدای معلولان و جلب توجه افکار عمومی به وضعیت موجود و فاصله آن با وضعیت مطلوب. هدف از تعیین این روز ارتقای رشد اذهان عموم جامعه درباره مسائل مربوط به معلولان و نیز بالا بردن آگاهی، اراده، حس مسئولیت و مشارکت عموم جامعه با شهروندان معلول است.



آماده ارائه خدمات در هوای پرفی هستیم

در ادامه رئیس اداره ناحیه ۲ با اشاره به شروع فصل سرما گفت: اداره خدمات شهری منطقه همچون سال‌های گذشته نمک موردنیاز و ادوات لازم برای برف‌روبی را آماده کرده است. در هوای پرفی هفته‌های گذشته نیز مانوری از سوی بخش خدمات شهری انجام شد تا در ارائه خدمات مشکلی وجود نداشته باشد. تجهیزات مهیاست و امیدواریم همچون همیشه در شرایط سخت و زمان بارش‌های سنگین، ساکنان و کسبه در کنار شهرداری باشند و در برف‌روبی جلو در منازل و تکاندن درختان به شهرداری و محله خود کمک کنند.

راه اندازی بازار محلی در انتهای گلبو

مجید دادخواه همچنین با اشاره به راه‌اندازی بازار محلی در انتهای گلبو بیان کرد: این بازار با هدف کمک به اقشار آسیب‌پذیر و رونق اقتصاد محلی و با همکاری شورای اجتماعی محله راه اندازی می‌شود. زمین انتهای گلبو را به همین جهت در نظر گرفتیم. بازار به صورت یک ماه و یک روز در هفته به صورت آزمایشی برگزار می‌شود و در صورت موفق بودن امکان روز بازار را برای آن مهیا می‌کنیم. امیدواریم بسیج و شورای اجتماعی محله در راه‌اندازی این بازار به یکدیگر کمک کنند. در پایان جلسه علیرضا حیدری بندهای مربوط به تأسیس بازارچه محلی را خواند و اعضای شورای اجتماعی محله صحبت‌ها و نظرات مثبت و منفی خود را در این باره ارائه دادند. تصمیم‌گیری نهایی در این حوزه منوط به جلسه‌های بعدی شد. ■





گزارشی از جلسه هم‌اندیشی

معلولان موفق

گل دفتر

عطایی-صدر

کردیم و متوجه شدیم از ابتدا معلولان دیگر رفته و در آن موفق گذاشته شود. تنها راه حل مشی یافته‌اند. فهمیده‌اند این روزها که و باید تجربه و اندوخته کارهای بگذارند تا گره‌ای از کارشان باز معلولان کنار هم در نگارخانه اند.

فضای عجیبی داشت و از آنچه تا به حال دیده بودیم، متفاوت بود. معمولاً برنامه‌هایی که برای معلولان ترتیب داده می‌شود پر است از سخنرانی‌ها و وعده و وعیدهای جور واجور ولی در این برنامه معلولان با یکدیگر حرف می‌زدند و از مشکلات و موفقیت‌هایشان برای یکدیگر می‌گفتند. در حاشیه جلسه با آقای جعفری صحبت



● مشتری‌هایم همسایه‌ها و فامیل هستند
زهره رحیمی، مادر یکی از افراد معلول، است. اصالت فریمانی دارد و چند سالی است در گلشهر ساکن شده است. دختر ده ساله‌اش مبتلا به سندروم داون است. ۴۵ سال دارد و چرم‌دوزی می‌کند. امروز در این جلسه حضور دارد تا مراجعه‌کنندگان کارهایش را ببینند و او هم از درد دل‌هایش بگوید. چرم‌دوزی را از آقای حسنی در مؤسسه باورسبز آموخته است. می‌گوید: «۲ سال است که این کار را شروع کردم و به‌تازگی با چرم طبیعی کار می‌کنم. کیف، دستبند، جاکلیدی هرچه مشتری بخواهد برایش آماده می‌کنیم. جایی برای فروش ندارم که تولیداتم را بیشتر کنم. اگر مکان و وسایل داشته باشی و بازار برای فروش قطعا با همین یک کار زندگی می‌چرخد ولی اکنون تنها مشتری‌هایم همسایه‌ها و فامیل هستند. نمایشگاه‌های مختلفی در فیاض‌بخش و مؤسسه همدمد شرکت کردم. سال پیش هم در نمایشگاه روز معلولان تالار زیتون شرکت کردم و فروش خوبی داشتم.»
همسرش عمل قلب باز کرده، دیسک کمر دارد و بازنشسته است و توانایی کار ندارد. به جز دخترش یک پسر هم دارد و خرج زندگی با او است.

● سرویس مدرسه دخترم داخل شفیی نمی‌آید
خانم رحیمی می‌گوید: «برای تأمین هزینه‌های زندگی افزون بر چرم‌دوزی، خیاطی و عروسک‌بافی هم می‌کنم. بهزیستی هم به ما کمک می‌کند. برای زدن کارگاه خانگی و گرفتن وام باید مدرک خیاطی داشته باشم ولی با بودن دخترم و همسر بیمارم امکان رفتن به کلاس‌های فنی و حرفه‌ای را ندارم. خودم باید کارهای خانه را به تنهایی انجام دهم و فرزند معلولم را برای کلاس استثنایی به بولوار دوم طبرسی بفرستم. هر روز سر صبح باید دخترم را ابتدای صدمتری بیرم تا سرویس دنبالش بیاید و سر ظهر دوباره به خانه بیاورم. سرویس به علت کوچکی‌های باریک اینجا تادم خانه نمی‌آید و همین باعث شده است نتوانم جای ثابت سرکار بروم. کسی نیست کمک‌حالم باشد.»

● تا ۱۴ سالگی به علت نداشتن بریس خانه‌نشین بودم
سیده‌ادی رضوی متولد ۱۳۵۰ در ولایت سرپل افغانستان است. سال ۶۰ همراه با خانواده به ایران آمدند. از دوسالگی فلج اطفال دارد. آقای رضوی تعمیرکار ساعت است و از این طریق هزینه‌های زندگی‌اش را تأمین می‌کند. می‌گوید: «علاوه بر تعمیر ساعت، کارهای دفتری یک دفتر ساختمانی را انجام می‌دهم.»

رضوی خوش‌پوش، منظم و آرام است و تن صدای پایینی دارد. می‌گوید: «این کار را براساس توانایی‌های خودم انتخاب کردم چون امکان کارهای سنگین را نداشتم. ابتدا می‌خواستم دوره‌های تعمیر رادیو و تلویزیون را بیاورم ولی باز هم امکان جابجایی آن‌ها را نداشتم برای همین ساعت را انتخاب کردم که سبک است.»
با موتور به سرکار می‌رود و دررفت‌وآمد مشکل خاصی ندارد. می‌گوید: «تعمیر ساعت را با شاگردی کردن آموختم. ۱۵ ساله بودم که شاگرد یک تعمیرکار ساعت شدم. تا ۱۴ سالگی به علت نداشتن بریس خانه‌نشین بودم و از زمانی که توانستم بیرون بیایم دغدغه کار و آموزش داشتم. زمانی که از افغانستان به ایران آمدم خواندن را یاد داشتم و به راحتی می‌خواندم. از پدر بزرگم خواندن را یاد گرفتم. اینجا که آمدم چون پدرم روحانی بود کاغذ و قلم داشتم و همانجا شروع کردم به نوشتن و توانستم در کلاس پنجم ثبت‌نام و تا دیپلم بخوانم و مدرک بگیرم. سال ۷۳ ازدواج کردم و دیگر تحصیل را ادامه ندادم.»

● اصل اراده است
ساعت‌سازی را پیش یکی از همشهری‌هایش در پیچ تلگرد آموخته است. رضوی می‌گوید: «چون نصف روز درس می‌خواندم و نصف روز کار می‌کردم ۳ سال طول کشید تا خودم اوستا شوم و مستقل کار کنم. مدتی را تنها کار کردم ولی الان نیازی نیست که تنها کار کنم. دیگر دغدغه خرید جنس و نداشتن جواز کار ندارم. مغازه به نام فرد دیگری است

● بافتن عروسک یک هفته طول می‌کشد
فاطمه سروری‌زاده، متولد سال ۷۵ در مشهد و ایرانی است. معلولیت فاطمه از عوارض عمل است. روز تولد به دلیل وجود یک غده در پشتش به عمل مجبور می‌شوند و از آن به بعد فاطمه روی ویلچر می‌نشیند. فاطمه فرزند آخر و ششم خانواده است. پدرش بر اثر تصادف در سال ۹۲ فوت کرده است و مادرش از آن زمان مسئولیت بیشتری برعهده دارد. عروسک‌بافی را در کنار کارهای دفتری برای یک تاکسی تلفنی دنبال می‌کند. فاطمه لیبی خندان دارد و با آرامش می‌گوید: «بسته به سفارش‌هایی که از دوستان و آشنایان می‌گیرم عروسک می‌بافم. به کسانی هم که علاقه‌مند به بافت عروسک هستند، آموزش می‌دهم.»

فاطمه می‌گوید: «از ۱۰ صبح تا ۸ شب در دفتر آژانس هستم بعد از آن هم که به خانه می‌آیم خسته‌ام کمتر فرصت عروسک‌بافی دارم. بافت هر عروسک معمولاً یک هفته زمان می‌برد.» عروسک‌بافی آن‌قدر برایش درآمد ندارد و به عنوان مسئول دفتر در آژانس مشغول به کار شده است. فاطمه می‌گوید: «عروسک بافتنی آن‌قدر در گلشهر طرفدار ندارد که همه فکر و توانم را برای این کار بگذارم. مردم این منطقه دنبال کارهای ارزان قیمت و مناسب‌تر هستند. کارهای دست‌بافت گران تمام می‌شود. قیمت نخ که استفاده می‌کنم فقط ۹ هزار تومان است. برای همین قیمت عروسک تمام شده گران است. خیلی‌ها در عبادی و امام حسین (ع) با همین عروسک‌بافی هزینه زندگی‌شان را تأمین می‌کنند.» ۴ سال است که این هنر دستی را آموزش دیده و برای کسانی که سفارش می‌دهند عروسک می‌بافد. فاطمه می‌گوید: «در کلاس‌های عروسک‌بافی مؤسسه باورسبز شرکت کردم و حالا هم بر اساس الگو و طرح‌هایی که مشتری‌ام می‌آورند برایشان عروسک می‌بافم. هر وقت هم نمایشگاه صنایع دستی باشد در آن شرکت می‌کنم. اگر مکانی به صورت همیشگی برای عرضه این دست کارها باشد برای من خیلی خوب است. مؤسسه‌ای در بولوار سازمان آب این فرصت را برای هنرمندان صنایع دستی مهیا کرده است و بازارچه صنایع دستی دائمی دارد اما رفت‌وآمد برای من به آنجا مشکل است و هزینه بالایی هم دارد.»

● عکاسی و تئیس روی میز
فاطمه دوست دارد عکاس باشد، اما به دلیل نداشتن دوربین و قیمت بالای آن و همین‌طور پیدا نکردن کلاس‌های آموزشی این آرزو برایش دست نیافتنی شده است. او می‌گوید: «عکاسی از سوره‌های مختلف و طبیعت را دوست دارم. هر بار که با مؤسسه باورسبز به طبیعت می‌رویم دوست دارم دوربینی همراهم باشد و از طبیعت عکاسی کنم.»

فاطمه به ورزش هم علاقه دارد تئیس روی میز را در فیاض‌بخش دنبال می‌کند. می‌گوید: «پنج سالی هست که تئیس روی میز بازی می‌کنم و امسال نیز برای مسابقات استانی از طرف بهزیستی و فیاض‌بخش در تیم حضور دارم. امیدوارم بتوانم کم‌کم به تیم ملی و پارالمپیک راه پیدا کنم.»

● خانواده‌ام به خاطر من هیچ جانی روند
حرف اصلی فاطمه درباره رفت‌وآمد معلولان به اقصی نقاط شهر و درون خود گلشهر است و از ما می‌خواهد که این موضوع را پیگیری کنیم. می‌گوید: «یکی از مشکلات عمده معلولان رفت‌وآمد است. نبود وسایل نقلیه مناسب و محدود برای معلولان ما را خانه‌نشین کرده است، خود محدوده گلشهر نیز خیابان‌ها و پیاده‌راه‌های مناسب برای معلولان ندارد. ابتدای شفیی اصلاً پیاده‌راهی ندارد و رفت‌وآمد با وجود فروشندگان مواد مخدر را برای همه با مشکل مواجه کرده است. خیلی وقت‌ها برخی کوچی‌ها آن‌قدر باریک است که ما نمی‌توانیم با چرخ‌هایمان رد شویم یا با کندن طرح آگو یا بنایی اطراف خانه‌ها رفت‌وآمد ما محدود می‌شود و مجبور می‌شویم مدتی قید رفتن به برخی مسیرها را بزنیم و خانه‌نشین باشیم. معلولان برای رفت‌وآمد به حرم هم مشکلات زیادی دارند و باید کلی هزینه کنند تا بتوانند خودشان را به حرم برسانند. خانواده به خاطر من هیچ جانی روند.»

مهاجر است. سال ۷۹ بر اثر سردرد شدید بینایی خود را از دست داده است و الان هم به وسیله شیلنگی اضافه مایع مغزی‌اش به معده‌اش می‌ریزد. خانم احمدی می‌گوید: «به علت مننژیت مجبور به عمل شدم. اوایل روی دست‌ها و پاهایم کنترل نداشتم و به مرور خوب شدم. الان هم دخترها می‌گویند چشم‌هایم سالم است ولی هنوز قدرت بینایی‌ام را به دست نیاوردم. امیدوارم خدا شفایم دهد.»

قرآن‌هایی که با خط بریل نوشته شده‌اند پس از مدتی صاف می‌شوند و قابل خواندن نیستند. فاطمه می‌گوید: «به خاطر علاقه زیادم به قرآن این کتاب را زیاد می‌خوانم. تا الان چهار قرآن با خط بریل خریدم که به دلیل مطالعه زیاد خط‌های آن محو شده است و دیگر استفاده نمی‌شود. از طرفی دوست داشتم هر وقت قرآن می‌خوانم ترجمه آن را هم بخوانم و مفهوم آن را درک کنم. با پرس‌وجویی که از دوستان نابینا داشتم، متوجه شدم در اصفهان قرآن با ترجمه مخصوص نابینایان وجود دارد. دوستم می‌توانست با تلفن کتاب را برام سفارش دهد. هزینه کتاب ۴۸۰ هزار تومان بود. بالاخره توانستم پولش را جمع کنم و آن را خریدم اما آن هم دارد کلماتش محو می‌شود. به دلیل علاقه‌ام به قرآن تصمیم گرفتم با مهره و سنگ‌های تزئینی قرآن را روی پارچه بدوزم. خوشبختانه توانستم یک خط را بدون اشکال کامل کنم.

و با هم شریک هستیم. درآمد ساعت‌سازی کم شده دیگر مثل قدیم همه ساعت به دست ندارند. از طرفی کار شرکت راحت‌تر است و به مرور که سن بالا می‌رود چشم‌ها ضعیف می‌شود. سه سال پیش بدون ذره‌بین کار می‌کردم ولی حالا ذره‌بین می‌زنم. ممکن است روزی برسد که دیگر نتوانم ساعت تعمیر کنم.» کار شرکت را از طریق دوستانش پیدا کرده است. رضوی می‌گوید: «یک دوره کامل نرم‌افزار آی سی دی ال را در قم دیدم و مدتی در شرکت یکی از دوستان که پخش مواد غذایی داشت به عنوان مسئول دفتر کار کردم. پنج سالی آنجا بودم که شرکت تعطیل شد. بعد هم صاحب این شرکت را در مراسمی دیدم و از روز بعد اینجا مشغول به کار شدم. کار کردن را دوست داشتم و با آمدن بریس انگیزه‌ام بیشتر شد. قدیم بریس را باید می‌خریدم ولی حالا از طریق سازمان بهزیستی یا سازمان‌های بین‌المللی به افراد دارای معلولیت بریس می‌دهند. نگاه خانواده‌ها به فرزندان معلولشان بسیار مهم است. باید قبل از هر چیز فرزندان را قبول کنند و به دنبال پیدا کردن مهارت‌هایشان باشند و از او بخواهند روی همان توانایی کار کنند.»

● مهم‌ترین آرزویم بافتن قرآن است
سکینه احمدی متولد ۱۳۶۷ در مشهد با پدر و مادری

سید هادی رضوی معلول معلول ساعت‌ساز می‌گوید: مهم خواستن افراد است. یک معلول نباید در خانه بنشیند و منتظر باشد کسی برایش کاری انجام دهد. ۱۵ سال قم بودم با ۲۰ هزار تومان به تهران رفتم و برای شروع کار چند باتری و پیچ‌گوشی مخصوص خریدم و شروع کردم به کار کردن و زندگی‌ام چرخید. اصل اراده است

و هرکس باید براساس توانایی‌اش کاری را شروع کند. نسل حاضر تحت تأثیر پرورش و حمایت خانواده‌ها هستند و خودشان دنبال کار نمی‌روند. خود من نیز تحت حمایت خانواده بودم ولی به کار علاقه داشتم و معتقدم اگر کسی می‌خواهد زندگی کند، باید سربلند زندگی کند.

خوداشتغالی در نگارخانه اندیشه

و صاحب شغل

را با هم به اشتراک بگذارند. تعدادی از آن‌ها توانستند در این سال‌ها با خلاقیت، پشتکار و اراده فعالیت کاری برای خود ایجاد کنند و حالا تصمیم گرفتند تجربیاتشان را با دوستان هم‌ردیف خودشان به اشتراک بگذارند. چرا که کار و تأمین معاش دغدغه اصلی توان‌یابان است. گفت‌وگوی این هفته شهرآرامحله با تعدادی از این توان‌یابان موفق و شنیدن دغدغه‌هایشان است.

نفران بر همین بوده تا راه‌هایی که بی‌شده‌اند با دیگران به اشتراک بگذارند. کلانشان را بودن در کنار هم سببی به درد دلشان گوش نمی‌دهد. عملی خود را در اختیار هم می‌شود. یک روز بعد از روز جهانی شبه جمع شدند تا داشته‌هایشان



● مأمور خرید کارگاه‌ها شده‌ام

محمد عارفی متولد سال ۱۳۶۹ به دلیل فلج اطفال دچار معلولیت شده است ولی توان حرکت دارد. به سختی روی پاهایش راه می‌رود ولی از حرکت باز نایستاده و الان به عنوان بازاریاب فعالیت دارد. جوان و جویای نام است و با وجود مشکلاتی که دارد خنده از روی لب‌هایش محو نمی‌شود. پر انرژی و با انگیزه مسیر زندگی‌اش را دنبال می‌کند. قبلاً در چاپخانه کار می‌کرد ولی مجبور به ترک آنجا می‌شود. یک روز به کارگاه دوستش آقای چمنی می‌رود و با هم برای خرید نقره انگشتر به بازار رضا می‌روند. محمد می‌گوید: «جواد ویلچر نشین است و رفت‌وآمد برایش سخت است آن روز انگشترهای آماده تحویل را به بازار بردم و خرید وسایلی مثل ااره و مته را انجام دادم و به علت این همکاری و به صورت دوستانه جواد ۲ هزار تومان به من داد. شب که به خانه رسیدم با خودم فکر کردم بهتر است به عنوان بازاریاب و فروشنده انگشتر برای کارگاه‌های انگشترسازی کار کنم. اول نگران بودم جواد یا ایده‌ام موافقت نکند اما روز بعد طی صحبتی که با جواد داشتم استقبال کرد و گفت این‌طوری همه زمان من برای ساخت انگشتر و ارائه کارهای جدید می‌گذرد و دیگر نگران بازار و خرید مواد اولیه نیستم.»

مهره‌های شیشه‌ای مخصوص تزئین لباس مناسب این کار مثقالی ۵۰۰ تومان است ولی وزن آن‌ها سنگین است و یک مثقال آن زیاد نمی‌شود. هر کلاف نخ هم ۸ هزار تومان است و هر صفحه قرآن ما ۳۰ خط است و ۲ هزار صفحه می‌شود. یک قرآن کامل بیش از ۴ کیلو مهره می‌خواهد و حداقل صد کلاف نخ می‌برد. پول نخ آن فقط ۸۰۰ هزار تومان است. اگر بتوانم این کار را انجام دهم یک کار ماندگار است و همه نابینایان می‌توانند از آن استفاده کنند.»

آرزو و هدفش بافتن قرآن است. فاطمه می‌گوید: «شب و روز برایم تفاوتی ندارد و بیشتر مواقع می‌توانم بدوزم. بافتنی را هم از کسی نیاموختم و خودم با تمرین توانستم انجام دهم. امیدوارم کسی پیدا شود که در خرید مواد اولیه آن به من کمک کند. برای دوخت سوره‌های قرآن باید خانه ساکت باشد تا اشتباه نکنم. مهم‌ترین آرزویم بافتن قرآن است. باید دقت زیادی برای دوخت سوره‌ها انجام دهم. یک اشتباه باعث می‌شود تمام آن خط را باز کنم. از سوره ناس و آخر قرآن که سوره‌ها کوتاه‌تر است شروع کردم تا انگیزه بیشتری برای ادامه کار داشته باشم.»

۷ سال است ازدواج کرده و همسرش همیشه همراهش است. بعد از بافت قرآن آرزوی دیگرش به دست آوردن دوباره بینایی و داشتن یک فرزند است.

انگشترسازی را برعهده دارد. محمد می‌گوید: «مأمور خرید و فروش اقلام و کالای تمام شده کارگاه‌ها شدم. به بازاری‌های بازار رضا زنگ می‌زنم و تعداد انگشتر موردنیازشان را می‌پرسم. بعد سفارش موردنظر را از کارگاه‌های انگشترسازی که می‌شناسم تحویل می‌گیرم، برای بازاری‌ها می‌برم و به قیمت مناسب می‌فروشم و ۱۰ درصد آن را برمی‌دارم. خودم حالا سرمایه‌گذاری می‌کنم و نقره و نگین مناسب را با سرمایه خودم می‌خرم و بعد به کارگاه‌ها می‌دهم و در سود ساخت با آن‌ها شریک می‌شوم.»

● فکر کرد گدا هستم و به من گوش‌ی نفروخت

یکی از مشکلات آقای عارفی جدی نگرش او به عنوان خریدار و بازاریاب است. محمد می‌گوید: «اوایل کسی من را قبول نمی‌کرد یا فکر می‌کردند می‌خواهم سرشان کلاه بگذارم ولی به دلیل جواد که اعتبار خوبی در بازار داشت کم کم من را پذیرفتند ولی از این دست مشکلات همیشه دارم. هفته پیش بود که تصمیم گرفتم برای خودم گوش‌ی بخرم به علت سفر کرپلا گوش‌ی را فروخته بودم. بعد از برگشتن و جمع کردن دوباره پول‌هایم تصمیم گرفتم گوش‌ی جدید بخرم. به بازار مفتاح رفتم، فروشنده اول فکر می‌کرد پولی ندارم و دارم گدایی می‌کنم. پول نقدم را درآوردم و روی میز گذاشتم تازه فهمید که خریدارم و جلو آمد، کلی عذرخواهی کرد. از این اتفاق‌ها برای ما زیاد می‌افتد و مردم نباید همه را به یک چشم نگاه کنند ما هم نیازهایی داریم و هیچ وقت دوست نداشتیم گدایی کنیم. همیشه سرم را با عزت بالا نگاه می‌دارم که توانستم از پس هزینه‌های زندگی و شرایطم بر بیایم.»

او ادامه می‌دهد: «در کار نویسندگی و نمایش نیز هستم و در سخنرانی‌های تد هم شرکت کردم. حرفم با بچه‌های معلول این است که باید دستشان در جیب خودشان باشد و نباید چشمشان به دست مؤسسه‌ها و خیران باشد. مگر تا چه زمانی یک خیر می‌تواند هزینه‌های زندگی و خوراک ما را پرداخت کند و باید خودمان به فکر خودمان باشیم.»

● یک قدم از افراد سالم جلوترم

مهدی حسنی ۲۶ ساله و بسیار خوش پوش و پویاست. ۷ سال پیش زمان امتحانات دچار حادثه می‌شود. مهدی می‌گوید: «برای امتحان به مدرسه رفته بودم و از همه‌جا بی‌خبر زمان برگشت نزدیک مدرسه منتظر یکی از دوستانم بودم تا با هم به خانه برگردیم. در یک لحظه موتوری با سرعت به من برخورد کرد و طبق گفته دوستانم مرا با خود ۱۵ متر می‌کشد و بعد از موتور جدا شده و پرت می‌شوم و دستانم را دور سرم می‌گیرم تا به آن ضربه‌ای وارد نشود ولی بند کیفم روی سرعتگیرهای کوچک گیر می‌کند و برمی‌گردد. سرم با جدول برخورد می‌کند و می‌شکند. از آنجا هیچ چیز متوجه نمی‌شوم تا دو هفته در بیمارستان بستری بودم. دوا و درمان زیاد کردم ولی به مرور پاهایم ضعیف شد و قدرت آن‌ها را از دست دادم و روی ویلچر نشستم. ضربه مغزی باعث شده بود عصب‌های مربوط به پاهایم را از دست بدهم.»

مهدی آن قدر خوش‌پوش و خوش‌لباس است که ناخودآگاه توجه را جلب می‌کند. خودش می‌گوید: «پاکیزگی نیمی از ایمان است. از قبل معلولیت نیز همین‌طور بودم. بعد از اینکه دچار معلولیت شدم ۳ سال افسرده و خانه‌نشین شده بودم تا اینکه به خودم آمدم و گفتم «تا کی می‌خواهی این‌طور زندگی کنی و باید قدر خودت را بدانی شاید این نعمتی است از طرف خدا.» توانستم با گروه‌ها و مؤسسه‌های مربوط به معلولان ارتباط برقرار کنم. با مؤسسه باور سبز آشنا شدم و آنجا روحیه خوبی گرفتم. با کسانی آشنا شدم که شرایط سخت‌تری از من داشتند. زمان زیادی را در مؤسسه سپری می‌کردم و شب‌ها همانجا می‌خوابیدم. به خیلی‌ها روحیه می‌دادم. همانجا تصمیم گرفتم کار کنم. ۴ سال کفاشی کار کردم و خودم را سرگرم نگه می‌داشتم. تصمیم گرفتم صاحب‌کار خودم شوم. کلاس‌های چرم‌دوزی، دفاع شخصی و تنیس روی میز را در توان‌یابان شروع کردم و در همه‌جا مقام به دست آوردم. از

آنجا که تجربه کفاشی هم داشتم کمتر از دو هفته کار چرم را یاد گرفتم. از طرف سازمان ملل برای آموزش چرم‌دوزی انتخاب شدم و به ۳۵ نفر از بچه‌های مؤسسه باورسبز که شامل افراد سالم و معلول بود طی ۱۰ جلسه آموزش دادم و حالا همه آن‌ها از این طریق کار دارند و زندگی می‌کنند. به نظرم یک قدم از افراد سالم جلوتر هستم. آن‌ها با دیدن ما خدا را برای سلامتی شکر می‌کنند. بودن من باعث می‌شود که فرد سالم به خدا و سلامتی‌اش فکر کند همین برای من جای شکر دارد و به خدا نزدیک‌تر می‌شوم.»

● حضور معلولان در جامعه منتهی به مطالبه‌گری آن‌ها می‌شود

جعفری می‌گوید: «قبل از اینکه معلولان در جامعه ما تعریف شوند تلاش کردیم حضورشان در کنار هم تحقق پیدا کند. وقتی افراد در جامعه‌ای حضور پیدا می‌کنند منتهی به مطالبه‌گری آن‌ها می‌شود اما اینکه مطالبات به چه سمتی حرکت کند وظیفه افرادی است که در مقابل این جامعه مسئول هستند. نباید تنها با حضور این افراد مطالبه‌گری را زنده نگه‌داریم ولی کاری برایشان انجام ندهیم که قطعاً در این صورت به خطا رفته‌ایم. دغدغه این گروه دغدغه‌ای ارزشمند است. آن‌ها با وجود معلولیت نمی‌خواهند دست از تلاش و کار بردارند، هدف دارند و می‌خواهند این هدف را دست‌یافتنی کنند. با توجه به وضعیت اقتصادی امروز ایران خانواده‌های دارای چند معلول در تنگنا قرار دارند و زندگی برایشان مشکل‌تر می‌شود بنابراین خود معلولان در تلاش هستند فضای کاری برای خود مهیا کنند. شرایط شب بازار و دست‌فروشی برایشان وجود ندارد. با این جلسه‌ها در تلاش هستیم تا از مؤلفه‌های موجود استفاده کنیم و افراد معلول موفق را پیدا کردیم تا ببینیم برای رسیدن به نتیجه چه کردند و روند فعالیت خود را با دیگران به اشتراک بگذارند. از آن‌ها الگو بگیریم و مشکل خودمان را خودمان حل کنیم. آسیب را پیدا کنیم و ببینیم چه میزان از آن را می‌توانیم خودمان حل کنیم. اکنون فضای گفت‌وگو را برای اولین بار بین خود بچه‌ها ایجاد کردیم و امید داریم این فضا ادامه پیدا کند.»

● شغل معلولان را مناسب‌سازی کنیم

محمدحسین جعفری می‌گوید: «حضور دیدگاه‌های متفاوت مدل گفت‌وگو را تغییر می‌دهد و باعث تلاش و پیگیری بیشتر بچه‌ها می‌شود. بیشتر بچه‌ها سواد ندارند ولی تجربه‌ای که از کار پیدا کردند باعث شده است بتوانند داده‌های خود را در این چند سال برای دیگران عرضه کنند و تلاش آن‌ها باعث شده است تا امروز جوامع بین‌المللی برای گسترش کار آن‌ها سرمایه‌گذاری کنند و طی ۱۰ روز آینده اولین کارگاه بزرگ برای تولید انگشتر و سنگ‌تراشی با سرمایه‌گذار خارجی برای افراد معلول توانمند در این زمینه انجام شود.» وی معتقد است می‌توان از طریق آموزش‌های کوتاه‌مدت و زود بازده به نتیجه رسید و می‌گوید: «وقتی می‌خواهیم کاری را آغاز کنیم سرمایه، توانمندی خود، بستر فروش و بازار آن را ارزیابی می‌کنیم. وقتی در بازار کار و شغل با معلولان مواجه می‌شویم آن‌ها را جداسازی می‌کنیم و توان آن‌ها را نادیده می‌گیریم. این جداسازی شغلی جفا در حق افراد معلول است، خیلی از آن‌ها می‌توانند کارآفرین باشند. اگر معلولیت را یک پدیده اجتماعی در نظر بگیریم باز خورد این پدیده اجتماعی یک پدیده اجتماعی دیگر می‌خواهد نه غیراجتماعی و منحصر به فرد. نظر کارشناسی نیاز دارد اما جداسازی خیر. زمانی ما می‌توانیم از مدرسه استثنایی استفاده کنیم که به آموزش‌های ویژه برای فرد معلول نیاز باشد ولی برای فرد معلولی که می‌تواند در فضای معمولی به تحصیل علم بیاورد نیازی به جداسازی وجود ندارد. درباره شغل هم همین‌طور وجود دارد. باید از بستر و خواسته آن‌ها فضای برایشان ایجاد کنیم می‌توانیم با شغل‌های زودبازده فضای کاری برای آن‌ها ایجاد کنیم. این فضای کاری می‌تواند شامل کارهای گلخانه‌ای و انتقال علوم مربوط به این رشته به دیگران باشد. کارهای زودبازده و تزیینی با روحیه این افراد نیز سازگار است و روحیه آن‌ها را بهبود می‌بخشد.»



گفت‌وگو با معلول کارآفرین که اعتبار خوبی دست و پا کرده است

از معلولیت تا موفقیت

هم محلی

شرایط شغلی و کاری خوبی دارد و توانسته در بازار انگشتر گلشهر شناخته شود. او در بازار انگشتر مشهد و در بازار رضا نیز شناخته شده است. جواد می‌گوید: «به لطف خدا توانستم دوباره دست به کار شوم. منی که دیروز روی پاهایم راه می‌رفتم دیگر نمی‌توانستم و این باعث شده بود افسرده شوم و آرزوی مرگ داشتم تا اینکه برادر بزرگم مرا با استاد جعفری آشنا کرد و در کلاسشان شرکت کردم همین باعث شد انگیزه پیدا کنم. وقتی دیدم استاد با معلولیتشان هنرمند و سرشناس هستند، تصمیم گرفتم پشتکار بیشتری داشته باشم. بعد از آن هم استاد همراه با آقای بخشی و عبدی باشگاه غدیر را افتتاح کردند و من نیز به عنوان یکی از اعضا ورزش می‌کردم، بعد از یک‌سال و نیم تصمیم گرفتند بخشی از مشکلات معلولان را حل کنند. از آقای بخشی، انگشترسازی را آموختم. اول آقای بخشی تصور می‌کرد نمی‌توانم چون معلولیت نخاعی دارم و نمی‌توانستم با پا پدال را بزنم به آقای بخشی گفتم خودم راهش را پیدا می‌کنم. نمی‌توانستم بدون کار زندگی کنم و چشمم به کمک پدر و برادرم باشد. باید مثل زمان سالم بودن دستم به جیب خودم می‌رفت و تصمیم برای کار جدی شد و به خانواده گفتم ولی آن‌ها اول مخالفت کردند و می‌گفتند تا زمانی زنده هستیم خرجت را می‌دهیم ولی دوباره برادرم خوش حال شد و حمایت کرد باید با ۱۵۰ تومان کار را شروع می‌کردیم و مقداری هم ابزار خریدیم همانجا شبکه زنی را یاد گرفتیم. آقای بخشی همفیلی بود و چون داروهای مصرفی‌اش گران بود برای درمان به سوئد رفت با اینکه دوست داشت، نمی‌توانست اینجا زندگی کند. چون شاگرد اولش بودم کارگاه ماند دست من و بعد از آن هم کم کم ۳ شاگرد دیگر به کارگاه اضافه شدند. اوایل به دلیل نبود تجربه و اینکه تنها شبکه می‌زدم و رشکست شدم ولی به مرور تصمیم گرفتم دیگر تخصص‌ها را بیاموزم و الان می‌توانم از صفر تا صد کار را انجام دهم. خدارا شکر همیشه سفارش دارم و بازار از کارهایم رضایت دارد. خیلی وقت‌ها آن‌قدر سفارش بالاست که با فاصله ۲ ماه کار را تحویل می‌دهم. از صفر تا صد کار انگشتر را خودمان انجام می‌دهیم. ریخته‌گری، سنگ‌تراشی، فیله‌سازی، مخراج کاری، آیینه‌کاری، شبکه زدن و چهارچنگ همه با خودمان است و در کارگاه انجام می‌شود. خیلی وقت است مشتری‌ها عکس می‌دهند و انگشتر دلخواهشان را تحویل می‌گیرند.»

جواد می‌گوید: «خوشبختانه با شرکت در کلاس‌های رلیف توانستیم تجربه تجارت، سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه را بیاموزیم و آن را به سوددهی برسانیم. بعد از شرکت در کلاس‌ها با آقای فرهودی مربی آموزشی، خانم مستوفی و عزیززی درباره کار صحبت کردیم وقتی متوجه شدند که در این رشته افراد معلول می‌توانند کار کنند به جذب سرمایه خارجی تصمیم گرفتند و از من خواستند تا کارگاهی را برای ۱۰ فرد معلول ایجاد کنیم. سرمایه از طریق اتحادیه اروپا، سازمان بین‌المللی رلیف برای این کارگاه تأمین می‌شود.»

چه قصه پر دردی است خطاهای پزشکی و عواقب آن، چه شده که عده‌ای آن‌قدر نسبت به عواقب کارها و تصمیماتشان بی‌ملاحظه شده‌اند. بخش زیادی از معلولان حاضر جامعه نتیجه تصمیم‌های اشتباه، خودسری و بی‌تدبیری بخشی از کارکنان درمان کشور است. تصمیماتی که ایشان می‌گیرند باعث می‌شود تا فردی باقی عمر خویش را در معلولیت سپری کند. جواد چمنی مصداقی از همین نمونه‌هاست. کسی که سال‌ها درد اشتباه دیگران را چشیده ولی در نهایت تصمیم گرفته است تا طعم موفقیت را بچشد.

جواد چمنی معلول نخاعی و ۳۵ ساله است. پیش از این کارگر ساختمان بود و به دلیل پرت شدن از ساختمان دچار معلولیت می‌شود. جواد می‌گوید: «سال ۸۲ از ساختمان سقوط کردم و بعد از آن مشکلاتم شروع شد. به دلیل یک‌سری کوتاهی‌ها دچار معلولیت نخاعی شدید شدم. وقتی سقوط کردم به جای آنکه معمار با اورژانس تماس بگیرد مرا بلند کردند و در خودرو گذاشتند و به نزدیک‌ترین بیمارستان بردند از آنجا مرا به بیمارستان هاشمی‌نژاد که مخصوص شکستگی است، انتقال دادند. در بیمارستان متوجه خونریزی داخلی ریه من شدند و باید اول این مایع را از بدنم خارج می‌کردند. دو تا از ستون مهره‌ها شکسته بود، یکی ترک خورده بود و یکی دیگر هم دچار شکستگی بدی شده بود. چون ساختمان بیمه نداشت و نمی‌توانستیم از بیمه استفاده کنیم معمار با پدر و مادرم که سواد نداشتند صحبت کرده بود و آن‌ها را راضی کرده بود تا مرا به بیمارستان فارابی منتقل کنند. زمانی که مرا به بیمارستان فارابی بردند هنوز پاهایم را احساس می‌کردم و گاهی تکانشان می‌دادم آن موقع پاهایم را بسته بودند تا تکان ندهم ولی بعد از یک هفته حس پاهایم را از دست دادم. در خود بیمارستان زخم بستر گرفتم و هنوز هم بعد از این همه سال زخم بستر دارم. زمانی که مرا مرخص کردند پرستار به خانه می‌آمد و زخم بسترم را می‌شست همانجا پدرم احساس کرد لگنم صدا می‌دهد، به دکتر زنگ زد و گفت به نظر لگن پسرم شکسته است. وقتی مرا به مطب بردند دکتر از دور بدون آنکه نگاه کند و عکس بگیرد گفت حال پسرتم خوب است و هیچ مشکلی هم ندارد. آن موقع بیمارستان به من بریس داده بود تا روی پاهایم بایستم تا خون جریان پیدا کند و زخم بسترم خوب شود چون پاهایم حس نداشت روی بریس فشار می‌آورد و همین باعث شده بود تا لگنم بشکند و دکتر هم که متوجه نشد و لگنم شروع به گندیدن کرد، وقتی زخم سرباز کرد به مرگ نزدیک شده بودم و بیمارستان‌ها قبول نمی‌کردند و عفونت به خونم زده بود تا اینکه دکتر مهاجرزاده در بیمارستان جوادالائمه (ع) عمل کرد و توانستم دوباره زندگی کنم. نزدیک به ۷ سال درگیر این شرایط بودم و بعد از آن توانستم پیشرفت کنم.»



سال ۸۲ از ساختمان سقوط کردم و بعد از آن به دلیل یک‌سری کوتاهی‌ها دچار معلولیت نخاعی شدم

کارگاه آموزشی ارتقای سطح مهارت‌های فردی در قالب مهارت‌های ساخت تریوم گیاهی با هدف توانمندسازی نوجوانان در محله امیرالمومنین برگزار می‌شود. علیرضا حیدری، کارشناس فرهنگی ناحیه ۲ شهرداری، با بیان این مطلب گفت: طرح الفبای مهارت ویژه نوجوانان و جوانان دختر و پسر، با هدف بهره‌مندی از مهارت‌های مختلف در منطقه در

حال برگزاری است. حیدری توضیح داد: در این کارگاه، مهارت‌ها شامل ساخت تریوم، خیاطی، نقاشی روی پارچه، منبت کاری و طراحی با کامپیوتر به نوجوانان و جوانان آموزش داده می‌شود. این برنامه با همکاری سازمان فرهنگی شهرداری مشهد، اداره اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه و مراکز آموزشی در محلات منطقه در حال اجراست.

دفتر توسعه محله آوینی برنامه پیاده‌روی عمومی برگزار کرد

شور و نشاط اجتماعی برای بانوان و کودکان محله

در محله

۵۹
صدر

صبح جمعه هفته گذشته، میدان دوم گلشهر میزبان بانوان و کودکان محله آوینی و محدوده گلشهر بود تا با اجرای برنامه پیاده‌روی شور و نشاط اجتماعی را به این گروه از جامعه بازگرداند و انگیزه‌ای باشد برای ارتباط بیشتر بین افراد و ساکنان محلی. این برنامه برای اولین بار از سوی دفتر توسعه محله آوینی و با همکاری شهرداری و اداره فرهنگی اجتماعی منطقه، اداره ورزش جوانان شهرستان مشهد و نهادهای مردمی برگزار شد. نم نم باران صبح جمعه هوای مشهد را بعد از یک هفته آلودگی تغییر داد و بهتر کرد. با وجود سرما و هوای بارانی بیش از ۵۰ نفر از بانوان به همراه کودکان خود در این برنامه نام‌نویسی کرد و مسیر میدان دوم شفیعی تا پارک آلاله‌ها در شهید آوینی ۵ را پیاده طی کردند.



اعتمادسازی بین ساکنان

علی نصرتی، مدیر دفتر توسعه محله شهید آوینی، در حاشیه این همایش پیاده‌روی به خبرنگار شهر آرا گفت: برنامه پیاده‌روی ویژه بانوان و کودکان در نظر گرفته شد و برای اولین بار اجرا شد. یکی از اهداف اصلی این برنامه آشنایی بیشتر ساکنان محله با دفتر توسعه محله و اعتمادسازی بین ساکنان است. افزون بر این با اجرای این دست برنامه‌های تفریحی و فرهنگی حس تعلق اجتماعی و هویت محله بین افراد تقویت می‌شود. ارتباط بیشتر بین ساکنان در این دست برنامه‌ها باعث رشد تعلق اجتماعی در بین آن‌ها می‌شود. بانوان به عنوان یکی از ستون‌های اصلی خانه آشنایی بیشتری با محله، ظرفیت‌ها و مشکلات محل سکونتشان دارند. با این برنامه می‌تواند تعامل بیشتری با دفتر توسعه محله برقرار و در رفع مشکلات کمک بیشتری به سازمان‌ها کنند.

وی افزود: دفاتر توسعه محله رابط بین مردم محله و سازمان‌های مختلف به‌ویژه شهرداری هستند. یکی از مشکلات سازمان‌ها و نهادهای دولتی نگاه کلی به مشکلات یک منطقه است و از بالا به پایین توزیع درآمدها و امکانات انجام می‌شود و ممکن است نتواند تمام مشکلات کوچک یک محله یا منطقه را پوشش دهد. دفاتر توسعه محله در تلاش هستند تا با ارتباط مستقیم با ساکنان محله، نقطه‌های دیده نشده را که ساکنان بهتر آن را می‌شناسند و می‌بینند به اطلاع سازمان‌های مربوط برسانند.

کمبود فضای ورزشی، بازی و تفریحی

نصرتی در ادامه با اشاره به پرسش‌نامه‌ها و نظرسنجی‌های انجام شده از سوی کارشناسان دفتر توضیح داد: اجرای این برنامه یکی از نیازهای بانوان و کودکان محله است. کمبود فضای ورزشی، بازی و تفریحی باعث شده تا خانواده‌ها محلی برای دورهم جمع شدن نداشته باشند

آی‌خبر

۱۰

به مناسبت روز جهانی معلولان برگزار شد

تجلیل از توان‌یابان محله و خانواده آن‌ها

کارشناس فرهنگی ناحیه ۲ شهرداری منطقه از تجلیل توان‌یابان محله و خانواده آن‌ها به مناسبت روز جهانی معلولان خبر داد و گفت: این دیدار به مناسبت روز جهانی معلولان با حضور شهردار و جمعی از مسئولان منطقه، اعضای شورای اجتماعی محله شهید آوینی انجام شد. علیرضا حیدری افزود: در این برنامه دکتر عبدا... زاده با حضور در خانه سیدجواد رفانی که دارای ۲ فرزند معلول هستند از زحمات مادر خانواده برای تربیت فرزندان‌شان تقدیر و تشکر کرد. این برنامه با همکاری اداره اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه و دبیرخانه شورای اجتماعی محله شهید آوینی برگزار شد و به رسم یادبود هدایایی به فرزندان آقای رفانی تقدیم شد.



با حضور اعضای شورای اجتماعی محله نیزه انجام شد

دیدار با خانواده معلولان و بازدید از مؤسسه صاحب‌الزمان (عج)

سه‌شنبه هفته گذشته، ۱۲ آذرماه، روز جهانی معلولان بود. اعضای شورای اجتماعی محله نیزه نیز با همراهی و مشارکت یکدیگر و خیران به دیدار خانواده معلولان و بازدید از مؤسسه خیریه صاحب‌الزمان (عج) رفتند. تا ضمن دیدار از نزدیک با مشکلات و دغدغه‌های خانواده معلولان آشنا شوند. عضو شورای اجتماعی محله نیزه در گفت‌وگو با خبرنگار شهر آرا محله گفت: این برنامه به مناسبت روز معلولان انجام شد تا اعضای شورای اجتماعی محله و خیران بیشتر با مؤسسه‌ها و افراد معلول محله آشنا شوند. در این برنامه با خانواده آقای احمدی که دارای ۶ فرزند معلول هستند دیدار شد. معصومه اژدری با بیان این نکته که آقای احمدی یکی از فرزندان معلول خود را تازه از دست داده است، توضیح داد: این خانواده مهاجر در سال‌های گذشته ۲ فرزند معلول خود را از دست داده است و فرزند سومشان هفته گذشته بر اثر سکته قلبی درگذشت. ضمن عرض تسلیت به این خانواده تلاش کردیم تا با تهیه بسته حمایتی از آلام این خانواده بکاهیم. اژدری افزود: در ادامه این دیدار اعضای شورای اجتماعی از مؤسسه خیریه صاحب‌الزمان (عج) نیز بازدید کردند و از مدیریت این مؤسسه، خانم محمدی، بابت زحماتی که برای معلولان در محله می‌کشند تقدیر و تشکر کردند. در تلاش هستیم تا با جذب خیران بیشتر به رفع مشکلات معلولان و مؤسسه‌هایی که برای آن‌ها زحمت می‌کشند، اقدامات مثبتی را انجام دهیم. چهارشنبه هفته گذشته در مؤسسه صاحب‌الزمان (عج) برای بیش از ۳۰۰ بیمار و بزرگوار انجام شد و اعضای شورای اجتماعی محله نیزه نیز با تهیه دارو به میزان یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان به این مؤسسه کمک کردند.



آخرین خبر



۱۱

زمین‌های بزرگ مقیاس منطقه ۵ شناسنامه‌دار شدند

شهردار منطقه ۵ در بازدید از نمایشگاه فرصت‌های سرمایه‌گذاری گفت: برپایی این نمایشگاه‌ها زمینه خوبی برای سرمایه‌گذاری در مناطق ایجاد می‌کند.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه، حسین عبدا...زاده ادامه داد: در منطقه ۵ یکی از فرصت‌های سرمایه‌گذاری، وجود زمین‌های بزرگ مقیاس است که این زمین‌ها می‌تواند برای موضوع‌های مختلف شهری و بحث‌های خدماتی و کمبودهایی که در حاشیه شهر داریم، بسیار کاربردی باشد. وی افزود: اکنون در منطقه ۵ این زمین‌های بزرگ مقیاس شناسنامه‌دار شده‌اند و تمامی مالکان آن‌ها شناسایی شده‌اند و در نهایت برای موضوع‌های سرمایه‌گذاری مختلف آماده شده است. شهردار منطقه درباره تراکم منطقه ۵ مشهد نیز گفت: بافت تراکمی منطقه از تراکم و مساحت بالایی برخوردار است، در حوزه‌های مختلفی از جمله بهداشتی و بیمارستانی یا ساختمانی و حوزه‌هایی که نیازها مشهود است امکان سرمایه‌گذاری در این منطقه وجود دارد.



۱۲

مناسب‌سازی مسیر معلولان در بولوار شهید شفیعی

مسئول امور حمل و نقل و ترافیک شهرداری منطقه ۵ از مناسب‌سازی و ایجاد دو سکو و رمپ در ورودی ۲ بانک در بولوار شهید شفیعی خبر داد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه، علی اکبر فخامی با بیان مطلب فوق یکی از معضلات مهم معلولان را فراهم کردن شرایط استفاده از دستگاه‌های ATM و هم‌سطح نبودن محل ورودی بانک‌ها و نبود رمپ دانست و از مناسب‌سازی این دستگاه‌ها برای دسترسی مناسب معلولان به دستگاه خودپرداز خبر داد و خاطر نشان کرد: این اقدام برای رفاه حال معلولان و مناسب‌سازی محیط برای تردد مناسب شهروندان معلول و کم توان جسمی و حرکتی در معابر منطقه بنا به درخواست و نظارت آنان در حال انجام است. وی بیان کرد: در راستای این اقدامات پوشش جوی‌های عرضی در تقاطع‌های محله سجادیه همچنین ایجاد رمپ در خیابان چمن ۹۲ برای سهولت تردد آسان ویلچر و کالسکه انجام شده است.



۱۳

عملیات اجرایی بهسازی معابر محله نیزه آغاز شد

معاون اجرایی شهرداری منطقه از آغاز عملیات اجرایی طرح بهسازی و بازپیرایی دو هزار متر مربع از معابر محله نیزه در قالب طرح «محله ما» خبر داد.

کاظم یزدان مهر با بیان اینکه این اقدام برای افزایش رفاه حال شهروندان و مناسب‌سازی محیط شهری محله نیزه در حال اجراست، افزود: در اجرای این طرح معابر و فضای سبز اطراف مدارس این محله بهسازی و بازپیرایی خواهد شد. وی این اقدامات را در راستای استانداردهای معابر منطقه و تسهیل در عبور و مرور شهروندان بیان کرد و افزود: بازپیرایی فضای سبز معابر با اقداماتی از جمله کاشت بیش از ۱۵۰۰ متر طول پرچین و نیز غرس درخت انجام خواهد شد. طرح محله ما طرحی یک‌ساله و رویکرد پروژه مشارکتی است و قرار است در یک فرایند مشارکتی و تعاملی با مردم و برای مردم از مرحله نیازسنجی، طراحی، اجرا و نظارت، هم‌زمان و هم‌گام با مردم کار را پیش ببرند.

حرف مردم

این ستون به حرف مردم و پیام‌های ساکنان منطقه اختصاص دارد. شهروندان می‌توانند مشکلات محله خود را با شماره تماس ۳۷۲۸۸۸۱۱ و پیامک ۳۰۰۷۲۸۹ یا ما در میان بگذارند تا آن را به گوش مسئولان برسانیم.

۱

درخواست لایروبی جوی آب شهرنند: جوی آب سخاوت ۲۰ سمت راست از ابتدا تا انتها به لایروبی نیاز دارد.

پاسخ ۱۳۷: از محل بازدید شد و مورد مشاهده نشد فقط به دلیل وجود دو مورد ساخت‌وساز در محل، جوی‌های مقابل املاک فوق از سوی پاکبان پاکسازی و درباره رعایت اشغال معبر و نظافت معبر برای مالکان اخطار به صادر شد.

۲

ترمیم آسفالت بزرگراه بابانظر قدمگاهی: آسفالت در آدرس بابانظر، روبه‌روی آوینی، لاین تندور به فواصل نشست کرده است، درخواست مرمت دارم.

پاسخ ۱۳۷: مطالعات تثبیت بستر بزرگراه در حال انجام است، سال آینده عملیات اجرایی آغاز خواهد شد.

۳

درخواست آسفالت پیاده‌روی الزهرا ۳ شجاع: درخواست انجام آسفالت برای پیاده‌روی جلو منزل به آدرس بابانظر ۹۴، نیش الزهرا ۳، روبه‌روی پلاک ۴۱ دارم.

پاسخ ۱۳۷: آسفالت آدرس مذکور تا پایان دی‌ماه انجام خواهد شد.



مردمک

نغمه‌های ایثار در تالار شهدای وحدت

موقعیت تصویر: بوستان وحدت



۱۴

صدر